

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۱۲ آبان ۱۳۱۵

فهرست مطالب

- ۱) تصویب صورت مجلس
 ۲) شور اول لایحه مربوط به تقویم کالای وارده به کشور
 ۳) شور و تصویب شیر واجع به متمم قانون مالیات بر درآمد
 ۴) تقدیم یک فقره لایحه واجع به طبع و نشر اسکناس از طرف آقای وزیر مالیه
- ۵) طرح و تصویب فوریت لایحه طبع و نشر اسکناس
 ۶) تصویب چهار فقره مرخصی
 ۷) موقع و دستور جلسه بعد - پنجم جلسه

(مجلس یکساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس هفتم آبان را آقای هژدید احمدی (منشی) قرائت نمودند

۱- تصویب صورت مجلس

- داندند با عین ماده واحده پیشنهادی دولت موافقت حاصل شد و اینک خبر آن برای شور اول تقدیم میشود.
- رئیس - عین ماده واحده دولت ماده واحده:
- الف) کالای وارده به کشور از لحاظ حساب تعادل واردات و صادرات باید به میزان قیمتین که تا ورود بگمرک ایران تمام شده است (قیمت سبک) تقویم میشود.
- ب - تصدیق صدور دره واردی هم که کالا بصورت انحصار صادر میگردد معادل تمام قیمت کالای صادره باید داده شود.
- رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (نظاری نشد) صورت مجلس تصویب شد.
- ۲) شور اول لایحه مربوط به تقویم کالای وارده به کشور
- رئیس - خیر کیب-یون اقتصاد ملی قرائت میشود: کیب-یون اقتصاد ملی در جلسه ۱۱ آبان ۱۳۱۵ با حضور آقای کزبیل اداره کل تجارت لایحه نمره ۲۷۱۳۰ ولک واجع به تقویم کالای وارده بکشور را نعت شور و مذاقعه قرار داده و بانو ضیحانی که آقای کزبیل کل تجارت

عین مذاکرات مشروح هفتاد و هفتمین جلسه از دوره دهم تقنینیه (شش ماه ۸ آذر ۱۳۰۵)

دایره تدوین و تحریر صورت مجلس

ایمانی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

غائب با اجازه - آقای وکیل

غائبین با اجازه - آقایان حاج ملک - شیر - قاضی - دکتر امری - مرانی - افشار - مدد - امیر ایرافیس - دبیر بهرامی

دکتر ملک زاده - بیات ماکر - دهستانی - اورنگ - پناهی

دیرآمدگان با اجازه - آقایان وکیل - شیانتک - مرزا - لقرانی - بیات - دکتر جوان - الهی - تراب زوی

بصره - کالایی که از ابتدای سال اقتصادی جاری به صورت انحصار صادر شده، مشمول این قانون خواهد بود. ج - پروانه ورود باید در حدود مقررات قانون انحصار تجارت خارجی مابین تمام مبلغ تصدیق صدوری که ضمیمه در خواست تسلیم میگردد داده شود.

طهرانچی - آقای طهرانی بنده خواستم آقای کنگل تجارت توضیح بدهند که در این قسمت (سبف) قیمت خرید تصدیق صدور هم میشود یا غیر چون برای هر ورودی لازم است تصدیق صدور داده شود تا جواز ورود گرفته شود آیا قیمت خرید از خارجه که از آنجا مال - التجاره میبرند و قیمت تصدیق صدور و اینها هم بر این (سبف) اضافه میشود یا فقط قیمت خرید از خارخانه و مخارج حمل و نقل است.

کنگل تجارت (آقای وثیقی) - عرض کنم از جمله ممالکی که در عمل اسباب اشکال می شود یکی هم همین موضوعی است که فرمودید یعنی گذاشتن قیمت تصدیق صدور جزء قیمت خرید و این که اینجا گذاشته شده است برای این است که حاشیش خیلی سهل و ساده باشد که حتی امکان قیمت آن برای تاجر وارد کننده گران تمام نمودن تا در نتیجه مصرف کنند، هم بتواند از آنست خرید بهتر مصرف و استفاده کند همچنین از (سبف) که در اینجا گذارده شده قیمت است که چنان تا موقع ورود بگردد که ایران تمام می شود و خلاصه آن پولی که به مالک بتیجاری می پردازد معادل آن پول باید قیمت کالا حساب بشود تصدیق صدوری که تاجری میبرد مشمول نیست زیرا این غرضی است که در داخل مملکت می شود و همچنین در قبضتی که تاجر از خارج می خرد مؤثر نیست فقط (سبف) قبضتی است که بیرون تا گمرک بایران تعلق می گیرد و بعلاوه کلاه (سبف) مخفف است از سه حرف که آقایان توجه دارند یکی قیمت و ارزش مال که C باشد و یکی بیهی که پرداخته شده است که A و بکسی که

بیرت باشد از تصدیق صدوری که پیش تعلق می کرد داخل ندارد که تاجر اقدام کنند این را ببنده نمی خواهیم.

رود بکنم یعنی اوقات همان طور که نمایندگ محترم فرمودند ممکن است یک جنسی که در ایران بیک قیمت خرید شده و یک مخارجی پیش تعلق گرفته در خارجه ارزانه تر فروش برود اما این را نمی شود مالک و مآخذ تشخیص قرارداد برای این که عمل غیر از این است و همه آقایان توجه هستند که همیشه جنسی که بخارجه صادر می شود با یک قیمت فروخته می شود گاهی هم با یک قیمت زیاد. خصوصاً خوبهستانه در این اواخر بطوری که اطلاع دارم آقای وزیر مالیه هم مشرفند دارند می دانند و آقایان دیگر هم متوجه هستند که اغلب اجناس با قیمت خوب در خارج بفروش رسیده و اسامی که بر می گردد بمملکت خیلی بیشتر از قبلی است که جنس برای خارجه تمام شده است و تصدیق صدور هم در این قسمت تأثیری ندارد.

طهرانچی - رأی گرفته می شود برورد در شور دوم این لایحه تصدیقی که موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد

۴ - شوروی تصویب خبر راجع به متمم قانون مالیات بر درآمد

طهرانچی - خبر قبلی بیرون قوانین مالیات راجع به متمم قوانین بر درآمد شوروی در جلسه ۱۶ آبان ماه ۱۳۱۵ لایحه نمره ۲۹۶۶۰ دولت راجع به متمم قانون مالیات بر درآمد را برای شورای با حضور آقای وزیر مالیه مطرح نمود و بالاخره مواد ذیل تنظیم و اینک خبر آن برای تصویب تقدیم می شود.

ماده اول - کلیه بانکها و مؤسسات و شرکتهای و اشخاص اشخاصی که واسطه پرداخت در آمد های مذکور به بند (د) ماده ۱۲ قانون مالیات بر درآمد و حق نبر بموجب ۲۹ آبان ۱۳۱۲ هستند مکلفند حق در مواردی که صاحبان آنها معترض هستند چهار درصد آن را بابت مالیات بردارند که در متنهی در نظر بگناه به صندوق مالیات بپردازند

طهرانچی - موافقتین با ماده اول قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

طهرانچی - تصویب شد. ماده دوم:

ماده دوم - بانکها و مؤسسات و شرکتهای و اشخاص مذکور در ماده قبل موظفند بلافاصله پس از تصویب این قانون به کسانی که از اول ۱۳۰۹ تا تاریخ تصویب این

قانون در آمد های مذکور در ماده قبل را پرداخته اند
 اخطار کنند مالیات متعلقه را از قرار چهار درصد در
 ظرف سه ماه توسط آن ها بوزارتخانه بپردازند .
 هرگاه در مدت مقرر مشمولین مذکور مالیات خود
 را نپردازند بانک ها و مؤسسات و شرکت ها بظابط اخلاعات
 لازمه را برای وصول مالیات به وزارتخانه خواهند
 داد .

رولیس - آقای کاشف

کاشف - در جلسه قبل مذاکراتی راجع به سهامی که
 مربوط به اشخاص است و جناب آقای وزیر مالیات
 توضیحاتی دادند به عقیده بنده شاید در یک قسمت توضیح
 کافی بود لذا خواستم خاطر آقای وزیر مالیات را توجه
 بدهم که توضیحات بیشتری بدهند که تکلیف معلوم شود
 فرمودند اسبب به اشخاصی که سهام دارند چون مالیات
 آن ها از طرف شرکت پرداخت شده دیگر تعرض به آن
 اشخاص نمی شود ولی این قسمت راجع است به شرکت های
 داخل ولی اگر سهامی در شرکت های خارجی داشته باشند
 آن مشمول مالیات بر عایدات خواهد شد این بود که خواستم
 در این قسمت توضیحات بیشتری داده شود که آئینیه
 کاملاً روشن باشد . موضوع دیگری که خواستم به
 عرض برسانم این است . اساساً وقتی بنا باشد که یک
 شرکت سهامی در یک شرکت دیگری داشته باشد چون
 عوایدی خواهد داشت از این نقطه نظر آن عواید جمع
 می شود بر سایر عواید و از آن عواید مالیات گرفته می
 شود باین معنی که آن حد فعلی را حساب می کنند و
 مالیاتی که پرداخته شده است موضوع می کنند و تفاضل
 را بین صاحبان سهام تقسیم می کنند ولی بنده نمی بینم
 علت چیست که یک شرکت اگر سهامی داشته باشد در
 شرکت دیگر این باید مجدد مالیات را بدهد اما اگر یک
 فردی مقدار زیادی سهام داشت در یک شرکتی می باشد
 شرکت های متعدد این فرد باید معاف باشد ؟ چون بنده
 بنده شرکت مالیات خود را می دهد و مالیات افراد را

می دهد هر شرکت و مؤسسه و هر تجارتخانه همبزار
 است پس چه فرق می کند بنده یک نفر شخصی هست
 ناچار هم بیستم شرکت هم بیستم یک عوایدی دارم که از
 این عواید مالیاتی پرداخته می شود و آن عواید را تخم
 می کنم به یک عده بتوانم حقوق بسر مثلا لوکر دارم
 آتیش دارم شوق دارم اجزائی دارم عمالی دارم که حقوق
 می گیرند پس بنا بر این باید بگویم که چون مالیات آن
 عواید اولیه گرفته شده است بنا بر این از نوکر یا باغبان
 و اعزاء و اجزاء نباید مالیاتی گرفته شود در صورتی که
 او مالیات خود را می دهد آن هم مالیات خود را می دهد
 چون این مالیات مالیات بر در آمد تنها که نیست مالیات
 بر اشخاص است هر کسی بهر عنوانی که باشد و عایدی
 داشته باشد مالیات باید بدهد بنا بر این شرکت مالیات
 خود را میدهد نه مالیات افراد را و این فرقی ندارد
 با اشخاصی که قبلاً عرض کردم . دلیل ندارد که شرکتی
 عایدی داشته باشد یعنی سهامی در شرکت دیگری داشته
 باشد یک دامنه دیگری مالیات بدهد ولی یک فردی در دامنه
 شرکت سهامی داشته باشد و هیچ مالیات ندهد

ولیر ماس - این دامنه محرم همانطور که فرمودند
 موضوع لایحه شرکت های خارجی بسیار دیگر و
 سر بیشتر اشخاصی هستند که عایداتی از خارج دارند حالا
 با شرکتها یا بتفاوتین مختلف دیگر موضوع این بود اما
 سؤالانی که در جلسه قبل از بنده شد راجع بود بشرکت
 های داخلی بنده می چوایم که دامنه البته جواب همان
 سؤال داده و باین مناسبت گفتم که ما از شرکتها وقتی
 مالیات را گرفتیم دیگر از صاحبان سهام آن شرکتها یک مرأی
 دیگر مالیات نمی گیریم شرکت های خارجی اصلاً هم مطرح بود
 و نه می توانست مطرح باشد شرکتی که در خارج است و
 مالیاتی بها نپرداخته در هر صورت ما وارد این نوعی شوم
 حتی فرض می کنیم که اگر شرکتی هم باشد که چیزی هم
 به ایران بدهد به عنوان عایدی ما نسبت بکسانی که در
 آن شرکت ما یک سهامی دارند با عواید دیگری در خارج

دارند مالیات را از ایشان خواهیم گرفت و آن اصل را که
 در مورد شرکت های داخلی اجرا می کنیم در مورد
 آنها اجرا نمی کنیم این اصل چوایم را بریزد بنده
 بود و خلاصه اش این میشود حالا اگر می خواهید که
 این بایزم روشن شده باشد تصور می کنم توضیح امروز
 بنده کافی است صحبت های بنده راجع بشرکت های
 داخلی بود (صحیح است) اما مطلب دوم می فرمایند
 شرکت یک شخصی است از نقطه نظر حقوقی حق هم هست
 و صحیح است میگویند این شخص مالیات خودش را داده
 است همانطور که مالیات خود را بدهد بعد آنکه
 افرادی که از این عایدات که شرکت داشته است بکسی
 برده اند یک چیزی هم بپایا داده شده مثل اینکه هر یک
 از ما ها وقتی عایداتی پیدا میکنند این را قسمت میکنند
 بفرادی حقوق مستخدم میدهیم کرایه خانه و امثال آن
 میدهیم خوب همانطور که اگر شخصی بنوکر خودش
 حقوق میدهد میدهیم آن شخص اول مالیات خودش را
 داده است بعد هم یک مبلغی در ماه بشوقر داده است از
 آن مبلغ هم مالیات گرفته میشود صحیح هم هست درست
 است ولی میفرمایند حالا چرا در مورد اشخاصی که
 شرکتها سهم دارند این کار را نمیکنند البته یک سئوالی
 است که منطقی هم دارد خیلی هم فرس و محکم است و
 خجل هم اسباب خوشحوشی است ولی این دفعه اولی است
 در تاریخ پارلمانی ایران که دولت میگوید از این یک قسمت
 من مالیات نمیگیرم و بکنفر از نمایندگان میگوید ده بگیر
 (خنده حصار) حالا اگر البته اکثریت مجلس با نظر آقای
 ارفاق باشد یک پیشنهادی در اینخصوص بدهند آتوقت
 بنده مطالعه میکنم بنده خبر نظر ایشان را باسبق دولت هم
 موافقت کند یا خیر اگر اکثریت مجلس هم موافقت
 ندارد خوب ما هم که این نظرا نداریم این را میگذاریم
 و اختلاف دیگر هم که نداریم اما بنده نمیتوانم بگویم
 نکن صرف نظر از ظاهر سازی واقعاً حقیقت را میگویند
 خجل میشوند و متشکر هستند از اینکه می بینم دولت پایتکه

باید بستمودن عموئی کمک کرد و بسپاره آخری مالیات
 داد پیدا شده است و لوابتکه درآقا تا این درجه هم شدت
 کرده است اینها خوب است . یک مالکنی واقفا بنده بود
 دارائی داشته باشد مگر بواسطه مالیاتها و پرداخت های
 افراد خودش اگر افراد یک مالکنی معتقد باشند که
 مالیات بپردازند آن ممالک فروخته اند البته این خیلی
 خیلی خوب فکری است ولی ما اینطور بنظرمان رسیده بود
 تا بحال که چون حقیقت این شرکت در حقیقت دارائی
 همین افراد است ظنن هم این است که چون خیال کنیم
 این شرکت راست است از نقطه نظر حقوقی یک شخص
 حقوقی است ولی وقتی ده غر یا بیشتر پولمانشان را روی
 هم گذاشتند و کتند شرکت میکنند دارائی آن شرکت
 مال این افراد است دارائی دیگری نیست در صورتیکه
 دارائی بنده غیر از دارائی شوقر بنده است (صحیح است)
 این است که در آنجا از هر کسی نسبت بدارائی خودش
 میگیریم اینجا وقتی حقیقت را بکنه ما کنیم و بیبینیم یک
 عده است خوب ما دیگر دلیل ندیدیم که وقتی افراد یک یک
 کار میکنند سرمایه شان را بکامی اندازند یک دفعه مالیات
 بدهند اما اگر آنها آمدند جمع جمع شدند و سرمایه هاشان
 را روی هم گذاشتند اما مثل اینکه یک جریمه می خواهیم
 ازشان بگیریم در سرمایه مالیات بگیریم باین دلیل و نظر
 بود که این فکر آقا را نتوانستیم تعقیب کرده باشیم ولی
 میخواهم عرض کنم اگر پیشنهاد کنند بنده مطالعه خواهم
 کرد نمیگویم قبول خواهم کرد مطالعه خواهم کرد .

ولیس - آقای مهدوی

مجلس مهدوی - بنده بنده در این ماده دوم
 که می نویسد بانکها و شرکتها و اشخاص مذکور در
 ماده قبل موظفند (بالاصلا) خوبت این لفظ بالاصلا
 بدون شرط الاچاقه منقبتی مثلا بکنامه بشود
وزیر مالیات - بنده اشکالی نمی بینم پیشنهاد فرمایند
 چون در اینجا بانکها و شرکتها و مؤسسات را مکتب دارند
 که بالاصلا ببودیان اخطار کنند آتوقت سه ماه از
 تاریخ اخطار بودیان فرصت دارند البته ممکن است گفته

شود که بلافاصله پس از یعنی بعد از تصویب مجلس تا اربع ساعت نیم ساعت هم ممکن است زیاد تصور شود یک ربع دیگر پنج دقیقه دیگر. خوبست پیشنهاد کنند مثلاً در ظرف ده روز بنده هم قبول میکنم

رئیس - آقای کاظم

کاظم - بنده باید توضیح عرضی را که عرض کردم بطور مختصر تذکر بدهم مقصود این بود که دولت اگر در یک موردی مالیاتی تکلیف است بگیرد. بنده نظرم این بود که با این ترتیب تمییز میشود در مورد همان شرکت هائی که حضرت آقا مثال زدند فقط این تمییز منحصر می شود بشرکت های سهامی والا اگر شرکت تضامنی باشد اینطور نیست او هم باید مالیات شرکت خودش را بدهد و هم افراش از همان عوایدی که از شرکت میگردد باید مالیات بدهد و بقیه بنده این تمییز فقط شامل حال شرکتهای سهامی میشود که افرادی که استفاده می کنند از سهام شرکت آنها منحصرأ مالیات بدهند و بقیه تماماً

بدهند عرض کردم فرق نمی کنند شخص عوایدی دارد این عواید را تقسیم می کنند به عمال و اجزاء و کارکنان خودش، عواید مالیات عوایدی را داده دسته دوم هم آن مالیات را باید بدهند و مالیاتشان نباید داده شود. در تجارت هم همینطور است فرض کنید یک مالالتجاره ای فروخته می شود و یک متفانی از آن حاصل می شود مالیاتش داده می شود این مالالتجاره در دستا دوم فروخته می شود به بنکار بنگار هم از آن استفاده کرده مالیاتش را هم می دهد در دست سوم فروخته میشود بشورده فروشان او هم عوایدی می برد مالیات هم می دهد در واقع سه چهار پنج مرتبه در یک معامله یک مالالتجاره مالیات می دهد صحیح هم هست چون هر کس مالیات خودش را می دهد هر مؤسسه مالیات بر عواید خودش را می دهد ولی چرا در این مورد یک تمییز بشود که شرکت سهامی فقط ندهد اما همه دیگر بدهند پس بنا بر این وقتی بنادق داده شود بدهم موافقم که آن قسمت های دیگر

هم ندهند اگر اصل این است که یک مالیات بدهند آنها هم یک مالیات بدهند نه اینکه یک دسته بدهند یک دسته ندهند عرض کردم شرکت تضامنی یا هر نوع شرکت غیرسهامی باید بدهند ولی شرکت سهامی افراش که استفاده می کنند از منافع سهام بدهند آنوقت این استثناء شامل او نمیشود یعنی بکدهم شرکت تضامنی مالیات شرکت خودش را می دهد یک داده هم شرکا مالیات خودشان را بدهند چون سهامی نیست شرکت و بنده از نظر این بعضی که می شود این را عرض کردم حالا باید همه مالیات را بدهند نه اینکه بکدهم مستثنی بشوند

وزیر مالیه - بنده گمان می کنم که جواب بنده کافی و روشن بود حالا هم باز یاد آوری میکنم اگر آقا این نظر را دارند ممکن است پیشنهادی تهیه فرمایند یک دفعه هم امتحان کنند آنوقت بنده آرا مطالعه می کنم دیگر مباحثه که اینجا نمیتوانیم بکنیم

رئیس - آقای زرار

زرار - بنده در ماده دوم فقط خواستم آقای وزیر محترم مالیه یک توضیحی بدهند البته معمولاً موقوفه اول نیست که هیچوقت قانون عطف بما سابق نمی شود این جا می نویسد از اول ۱۳۰۹ البته بنده هم موافقم چون بعضی ها مالیات شان را پرداخته اند و باید مالیات شان را بدهند ولی برای اینکه سابقه نداشته باشد این جا خوب است آقای وزیر مالیه یک توضیحی فرمایند که رفع کند اشتباه مرا. استدعا میکنم توضیح بفرمایند.

وزیر مالیه - بنده دارم فکر می کنم که به بیان اشکال آقا به چه بوده است؟ (زرار - گوش ندادید) چرا گوش داده ام؟ چون می فرمایند قانون عطف بما سابق می گویند. یعنی یک اشخاصی مشمول مالیات نبودند و عایدات شان را دولت و متفنن از پرداخت مالیات معاف کرده بود حالا بنده آمده ام پیشنهاد می کنم که مجلس در این ماده هم تصریح می کنند که شما که تا بحال

نداشته اند و تقریبی که در قانون ۲۹ آبان مطرح است است عمل نکرده اند بنا بر این ممکن است آنها دچار آن مواد مربوط بتمتعین و جرائم بشوند این است که اگر یک توضیحی مجدداً در این موضوع بدهند خیلی اسباب تشکر است.

وزیر مالیه - بنده از این تذکری که آقای نماینده محترم دادند غیب خوشوقت هستم برای اینکه توضیح بدهم عملی را که خواهم کرد تا اینکه از برای کسی دیگر اشتباهی پیش نیاید و ما هم می خود اسباب زحمت کسی نشویم. چون این موضوع شرکت های فرعی است فقط در شرکت های اصلی باید مالیات تمام عوایدشان را بدهند در سودی که قسمتی از عوایدشان عوایدی بوده است که از شرکتهای فرعی بوده و یک شرکت فرعی آنها پرداخته است اینها هم مالیات عواید خودشان را پرداخته اند این مطلب یک فدری بهم بود و اصرار آقایان دائر توضیح در جلسه گذشته مطلب را روشن کرد و حالا هیچ تردیدی نیست که از آنها هم گرفته خواهد شد در قسمت دیگر اگر چه مطلب مهم است و مدتی هم مانده است البته جزیه زیاد فری نمیکرد ولی بنده وعده می دهم در اینجا کسانی که فریزان مالیات شان را و تصفیه کنند از شان جریمه اخذ نخواهد شد (صحیح است)

رئیس - آقای زرار

زرار - عرضی ندارم

عدهای نمایندگان - مذاکرات کالی است

رئیس - در این ماده دو پیشنهاد از آقایان رسیدید است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای اعتماد زاده:

پیشنهاد می کنم ماده دوم از لحاظ روشن شدن عبارت برقرار ذیل اصلاح شود:

ماده دوم - بانکها و مؤسسات و شرکت ها و اشخاصی واسطه پرداخت در آمد های مذکور در ماده قبل موظفند بلافاصله پس از تصویب این قانون به کسانی که از اول

هیچ مالیاتی نداده اید و هیچ تکلیفی نداشته اید برای تأدیبه مالیات حالا اطلاع می دهیم که تا سه ماه بعد از این باید بیاید و مالیات عوایدی را که از سال ۱۳۰۹ تا کنون داشته اید بدهید و بقیه بنده آقا مطلب را این طور فهمیده اند (زرار - غیر قصد بنده این نیست) اگر این است که ماده این را می گوید و ابراد آقا هم وارد نیست (صحیح است) برای اینکه از ۱۳۰۹ هر کس دارای عایداتی بوده است باید مالیات بدهد این اشخاص می باید بدهند مثل اینکه یک عده قبلی از اینها هم آمده اند داده اند ولی عده دیگر را اطلاع نداشتیم و هنوز هم نداریم حالا بآن کسانی که حتماً اطلاع دارند یعنی بانکها و شرکتهای که این عواید را گرفته اند و با آنها رسانده اند می گویند آقایان شما بشناسی آمده اید و عوایدی از خارج رسانده اید و پرداخته اید به آنها اخطار کنید که تا سه ماه بعد از این تاریخ آن مالیاتی را که باید بدهد بوقت فزون بپردازند و از ۱۳۰۹ تا بحال معطل کرده و نداده اند بیایند بدهند و اگر پرداختند صورت آنها را بدهید که ما خودمان آنها را تعقیب کنیم و از شان بگیریم بجهت مطالب این است آقا و بنده عطف بما سابق نکردم که یک اشخاصی که مشمول نبوده اند حالا بنده بیایم و بگویم بر حسب قانون مجبور بشوید مالیات دهید بنده تصور می کنم شاید عبارت یک طوری بوده است که از برای آقا با یک سوء تفاهمی ایجاد کرده است و توجه نکردند والا

ماده مالین بود که توضیح داده (صحیح است)

رئیس - آقای نیک پور

نیک پور - از توضیحات جلسه گذشته و امروز آقای وزیر مالیه راجع بشرکت های داخلی مطلب تقریباً روشن شد و وضعیت پرداخت مالیات شرکت های داخلی معلوم شد و بنا بر این مطابق قانون ۲۹ آبان سال ۱۳۱۲ رفتار میشود ولی ممکن است با این رویه که حالا اظهار می شود در این قسمت مشمول یک جرائمی بشوند یعنی همان طوری که توضیح شد مطلب اینها تکلیف خودشان را

۱۳۰۹ تا تاریخ تصویب این قانون و چوه مذکور و را توسط آن ها در بنات نموده اند اخبار کنند که مالیات متعلقه را از قرار چهار درصد در طرف سه ماه توسط آنها بپردازند البته بپردازند التبع

رئیس - آقای اعصاب زاد

اعتصاب لاده - در بروز در کمیسیون هم صحبت شد عبارت این ماده يك قدری ایهام دارد نوشته شده است به کسانی که از اول ۱۳۰۹ تا تاریخ تصویب این قانون در آمد های مذکور در ماده قبل را پرداخته اند. این همچو میرساند که بکسانی که مالیاتشان را پرداخته اند این (که) که حرف ربط است بر می گردد بکسانی که پرداخته اند به یگانگ و مؤسسات این پیشنهاد بنده برای توضیح عبارت است.

ولیر عالیه - در بروز هم در کمیسیون این مذاکره شد یکمقداری هم وقت صرف شد بنده البته بنظر ایهام نیست فوق ادبی هم يك اسری است که خیلی درش می شود اظهار نظر کرد يك عبارتانی هم گفته شد من جمله همین که حالا می تره باند و در کمیسیون رد شد بنده اسراری ندارم و گذار می کنم به رأی مجلس اگر این عبارت پیشنهادی را بجای عبارت ماده می خواهند رأی بدهند بنده هم موافق هستم.

اعتصاب لاده بنده اسزادی می کنم.

رئیس - پیشنهاد آقای مهدوی قرائت می شود

پیشنهاد آقای مهدوی

این جانب پیشنهاد می کنم در ماده (۲) جمله (در ماده قبل موظفند بلافاصله ایستلور اصلاح شود: در ماده قبل موظفند در مدت پانزده روزه پس از تصویب این قانون ای آخر

ولیر عالیه - خوب است اگر اجازه بفرمایند بنویسم تا مدت پانزده روزه پس از تصویب این قانون

لیک پور - آفرین سه ماه بعد از پانزده روزه است

ولیر عالیه - سه ماه واتی است که اخبار برسد

که در این قسمت مؤذیان از تأدیبه جرائم و خسارت تاخیر نادیه معافند این است که تبصره باین منظور اضافه شده است لذا بنده خواستم از حضور بفرموده شما تقاضا کنم که توضیح بیشتری بفرمایند از غلط نظر همین تکلیف آلمی مؤذیان و همچنین متدیان امر زیرا خیلی در این جا سرحات ندارد و بهتر این است قذری روشن تر شود.

ولیر عالیه - همانطور که نماینده محترم فرمودند این تبصره در اول کمیسیون دوست گردید و همه موافقت کردیم برای اینکه نظر ما هم در اول غیر از این که در تبصره گفته شده است نبود ولی عبارت طوری بود که ممکن بود غیر از این هم تعبیر شود این بود که بنده دیدم در این صورت چه عیب خواهد داشت که ما عبارت را طوری بنویسیم که این تعبیرات پیش نیاید والا از ابتدای امر این را در نظر گرفته بودیم که بکده اشخاص که عوایدی از خارج داشته باید مالیاتشان را بدهند که هر کس تکلیفش این است که قانوناً بپردازد و غیر از این هم بدنبالات يك دولتی تعبیر بجز دیگر می کنند. اگر مالیات بدهی گفت که من امی دانستم باین جهت این کار را کردم منی دانستم جرم است و باین جهت مرتکب جرم می شوی و دروغ گوئی و داغ غرض این است که هر کسی باید آشتا بقانون باشد ولی موهذا ما هم میخواهیم يك اشخاصی که شاید واقعا خیال می کردند که چون عواید شان از خارج است نباید چیزی به بپردازند خیال می کردند که باید عایدانی داشته باشند و هیچ بپردازند چون ممکن است عده این طور فرض کرده باشند و نقلت شده باشد از طرف آن ها در پرداخت مالیات و حالا يك مرتبه بایلیهم از ۳۰۹ باین طرف تمام این عواید را بگیریم و جریمه را هم حساب کنیم علاوه جریمه تأخیر پرداخت از قاری صدی دو درام است.

خیل چیز فوق العاده می شود این بود که این جا نوشتیم یعنی این تبصره را کنار زدیم که متعلقین از ماده ۲ یعنی آن اشخاصی که بانک ها به آن ها اخبار می کنند سه ماه هم می گذرد و در ظرف این سه ماه اخبار هم نمی پردازند

مالیاتی را که باید بپردازند این متعلقین مشمول جریمه های قانونی خواهند شد ولی اگر از تاریخ رسیده اخبار در ظرف سه ماه ترتیب تصدیه اش را داد البته جریمه ازش گرفته نخواهد شد

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - البته این قانون که توضیح قانون ۲۹ آبان است بسیار بوقع و لازم است لیکن بنده خواستم از آقای وزیر مالیه بمرسم که اگر موارد اختلافی پیش بیاید اینجا چکار می کنند؟ یعنی يك وارپوشی بدهند به اداره که به فلاان شخص پنج هزار تومان عواید رسیده است و بعد این شخص آمد گفت که این سرمایه من بود منتقل کرده ام عواید نیست پول جنس است خانه است فروخته ام بنا بر این موارد اختلاف باید در قانون تکلیفش معین شود اگر مثل قانون سابق است توضیح بفرمایند و اگر هم نیست باید تکلیف موارد اختلاف معین شود.

ولیر عالیه - اختلاف البته ممکن است پیش بیاید ولی شاید موردی را که فرمودند کمتر پیش بیاید برای اینکه بانک ها هم مؤسسات معین شده اند که اگر از زیادت عواید چیزی برای اشخاص داده شود صورتش را تهیه نمایند اگر يك بانکی سهام يك کبیرا میگیرد و عایدانش هم وصول میکند و میداند صحبت در عایدات است نه سرمایه ولی البته اختلاف ممکن است پیش بیاید. بانک ها باید کسر کنند و بدهند حتی در صورتی که اعراض شده باشد ولی مرجع شکایت بانای است مطابق قانون سابق عموماً مالیه هست و الاخره تمام آن مقرانی که بوده است سرچای خودش هست

رئیس - آقای طهرانی

طهرانی - برای گذشته که البته تکلیف معین است. برای آتی هم بهتر این است که تکلیف روشن شود یعنی بانک ها را مکلف کنند در يك مدت معینی چون در ماده سه می نویس متعلقین از مقررات این قانون خوب اگر بانک که واسطه این کار است باشرک ها

و مؤسسات این کار را بیکدیگر بانک با شرکت ما
مؤسسات و مؤسسات مختلفه با صاحب بابات و بالاخر
مستول چربوه میباید است با بانک و شرکت ها که این
عمل را اجرا کرده اند.

ولتر هاله - همه من ابرودو الی انباه هر کیکه
تکلیفی داشته است نسبت بحدود مالییه و انجام نداد
ایست البته از امر چربوه گرفته میشود منتهی از برای
مؤیدان تکلیفی در قانون معین شده است که چیت ولی
برای بانک ها با بحال بوده است حالا مطابق قانون ۲۳
آبان است که همین بیکدیگر چیت دولت بوجوب
نظامنامه و بودای که وضع میکنند و وضع هم کرده است
البته برای امین تکلیف بانکا و اینکه اگر تخلفی کرده
چرا ای معین میکند

مجلس - موافقین با ماده سه قیام فرمایند.
(اکثریت قیام نمودند)

مجلس - تصویب شد ماده چهارم قرائت و پیشود
ماده ۴ - این قانون پس از تصویب بدو دفعه اجرا گزاشته
خواهد شد.

مجلس - موافقین با ماده چهارم قیام فرمایند (اغلب
ایجاب نمودند) تصویب شد . شور در کلیات ثانی است
آقای کاشف .

کاشف - عرضی ندارم .

مجلس - آقایانیکه با کلیه این لایحه موافقت دارند
ورقه سفید خواهند داد
(اخذ و شماره آراء بدول آمده ۹۹ ورقه سفید بدهاد شد)

مجلس - بعد حاضر در واقع اعلام رای ۱۰۳ نغرا
۹۹ رأی تصویب شد

۴ - **مجلس -** بانک نقره لایحه راجع بفتح و لغز
اسکناس از طرف آقای ولتر هاله

ولتر هاله - لایحه دیگری که بنده دارم و تقدیم
می کنم راجع با طبع اسکناس است آقایان آن در نظرشان
باشد دفعه قبل که ما لایحه آوردیم و به فرمودن با صاحب
قانون کشانیم سر راه طای دولت و این مقدار طای
دولت متعلق به اسکناس می شود ما مجموع آن طارا که
داشته ایم داریم با بانک به عنوان سرمایه و سرمایه بانک را
اسفاه کرده ایم البته بانک هم آن را گذاشت به عنوان
ذخیره اسکناس عوض و مطابق همان قانون ما صحت در
صد همیشه باید ذخیره لغزی داشته باشیم و حالا خیلی خراب
بیشتر از این هم داریم همیشه در حدود تا بحال بن نود
پنج و صد درصد تقریباً بوده است اما روز اجازه هفتصد
ملیون ریال طبع و نشر اسکناس کردیم برای اینکه میزان
اسکناس با پولی که در دست است جریان داشته باشد
بیداره آخری یک تناسب طبیعی باید داشته باشد با میزان
مواملات و مبادلات دولت (صحیح است) اگر کم باشد
اسباب زحمت خواهد شد و اگر زیاد باشد آثار بدی دارد
مبادلالی که امروز هست در دولت وقتی که نسبت به چند
سال پیش بیکدیگر خیلی غلبه العاده زیاد است . اگر در
نظر بیکدیگر معمولی را که ما الان داریم و طرز خرید ما را
مقایسه کنیم با معمولات و طرز خرید همان معمولات در
چند سال قبل آنوقت متذکر خواهیم فرمود که باید

ببزرگت زیاد تر می پول در جریان باشد با بنوا بد این
دول را بیکدیگر داد مثلا ما الان اسناس امین واروی
داریم (و همین داریم باید خیلی هم محکم باشد
در این جهت) میزان بنیه مان نسبت به سال پیش در حدود
صدهای بیست و شش است (صحیح است) طرز خریدمان چه
بوده است این نسبت که بپردازیم هر کسی با یک مقدار پول
بیکدیگر کمی پول برود بپوشی بپوشی بپوشی بپوشی
بپوشی بپوشی و بپوشی بپوشی بپوشی بپوشی بپوشی
نسبت طرز خرید ما این است که باید بپردازیم همین همان
فصل که بدست می آید حصول تمام خریداری شود . همین
طوری تمام معاملات دیگر که در جریان بوده است . خشک بار
ملاطی می شود بشدهیچ در نظرف چند ماه بخردن این عمل
بدر این فکر ما می بخوریم . حالا همیشه در دست و امیرا
نظر ما از این تفکیکات بزرگ است این که بعضی اینکه
بمپول بدست بیاید آن معمولی را هر کس که موافق به
خرید است فوراً بخرد از دست اول هم بخرد یعنی یک
مقدار زیادی پول پیش بکند هر قدر که لازم دارد بپوشان
بپردازد تا این کار تمام بکند . همیشه در نسبت
بپوشی بپوشی البته ملاحظه می فرمایید چه افرادی چه
میلیت همه یک فعالیت بیشتری بخری می دهند (صحیح است)
این معلوم است آنت وقت باید بیشتر پول در دسترس
مردم باشد ما حواله یک مقدار فوئی العاده شاید لازم
باشند بیشتر ولی بپوش بدین که اعتبار بانکه در سدمان
را که اعتبار داریم داشته باشیم مطابق روز و ذخیره که
ان این داریم مبادل با (۱۹۹۱ ، ۱۹۹۲ ، ۱۹۹۳ ، ۱۹۹۴) ریال میباشد
و در هر قریبش است و الان توضیح خواهم داد که تفاوت
این قریب با قریب واقعیش در چه حدود است آنقدر
ذخیره که عرض کردم شصت در صد (۱۹۹۳ ، ۱۹۹۴ ، ۱۹۹۵)
ریال اسکناس می شود ولی همانطور که گفتیم حالا ما
شاید تا یکسال دو سال دیگر یک مقدار چند میلیون
بیشتر از این احتیاج نداشته باشیم علاوه بر این و اینکه
چیز این دیدیم که تمام اعتبار مان را بگیریم برای اینکه

اسکناس را یک سر به چاپ کردن بهتر است زیرا همه خرج
چاپش یک سر به می شود اما البته به بدو دفع احتیاج و به
نسبت بالا بردن معاملات محسوب می کنند یعنی بپوشان
می افتد مسلم ولیکن بدین وجهی که خدمت این را هم به
عرض برسانم که دولت یک نفعه هم برای اضافه کردن ذخیره
طیلا در نظر گرفته است اما اصل هم شروع کرده و البته هر
سال در اول بودجه عرض خواهم کرد و بعد از آن سال هم
در بودجه سنده آتی کاره خواهد خواند شد که مطابق آن نفعه
در باسلف چهار الی پنج سال میزان ذخیره خودش را به
یکدیگر و میزان قابل ملاحظه برساند و برای این ما
پوشی بینی می کنیم باید ما پیش بینی پیشود که برای دو
سال سه سال چهار سال دیگر هم تمام این مبلغ ۱۷۷ میلیون
و خورد در توان هم کافی خواهد بود تا بر این چون ما
همیشه می خواهیم که شصت در صد ذخیره فلز بان باشد
با طبعیمه باید ذخیره فلز بان را زیاد کنیم تا بعد آکر . و اگر
همه ندراد روزی که بیشتر محتاج میشویم که اسکناس داشته
باشیم ذخیره لغزی بیشتر داشته باشیم که نسبت به قبوت و امی
ذخیره ایست قانونی اتی تفاوت دارد سابقا با باقیانی که در دوره
قبل بوده اند توضیحات داده ام و البته بخاطر دارند .
یک بدین است که قانون تعیین کرده برای طلا نقره یعنی
یک لغزی را قابل شده است آکر قانون راجع کنیم آنوقت
که با آمدیم مطابق خوردن را خواستیم ذخیره اسکناس
بدین آن روز فکر کردیم که بپوشه حسابی سه قیمت
قانون بدین یا سه قیمت بخردن یا سه قیمت بپوشه . بازار .
مصلحت در این قریب (البته حق هم همین بود و رعایت
که چنان قیمت قانونی خوردن را اختیار کنیم ولی اینکه
طیلا قیمتیش بیشتر از قیمت قانونی باشد و ما هم بیشتر بخردیم
باشیم همین دلیل بود که در همان دفعه مبلغ طلالی را که
ما دادیم بیاید چند میلیون قیمتیش بیشتر از مبلغی بود
که ما برای ذخیره اسکناس و بانک حساب کرده ایم و حتی
چون خود بانک هم مقداری طلا خرید کرده و آن را هم
باید یک فکری از برایش کرد و طلالی را که حساب

قانون قیمت فکری می گذارد در صورتی که قیمت بیشتر برای ایش تمام شده و بانک هم نمی تواند ضرر کند این بود که بنا شد آن تفاوت را هم ما باینکه بدهیم و دولت تا بحال در حدود یک میلیون و پانصد هزار تومان بدهی بازده میلویت و پول از باب آن تفاوت هر وقت در سال منافع بانک حساب و رسیدگی شده است و خواسته است بدوایت باز داد دولت کسر کرده است و بانک مبلغ دیگری شاید در حدود هفت میلیون ریال دیگر باید باشد که از منافع امداد بار داده خواهد شد پس این اساس را در این وقت هم گذاشتیم یعنی اساس قانون را و عقیده جناب همان طور هم نگاهش می داریم حالا هم این اظهار من باب تذکر بود که اساس همان قانون است خواستیم عرض کنم قیمتی صکه هست همان قیمت قانونی است و الا اگر قیمت آن روز اینقدر بالا را ما بحساب امروز بگیرییم و با ریال حساب کنیم آفرقت صد و بیست و یک میلیون ریال بیش از اینکته داریم خواهد شد یعنی ذخیره مبالغه ای منصف دو پنج میلیون ریال هفتاد و بیست و شش میلیون و خورد و قریل خواهد بود ولی ما همیشه عقیده باین بودیم و خواهیم بود که این ذخیره را با همان تناسب قانونی حفظ کنیم بد نمی داند در این موقع این را هم عرض کرده باشم : البته آقایان در این اواخر اطلاع دارند تقریری در پول های ممالک پیدا شده و ممالکی که پایه طلا می خواستند برای خودشان اختیار کنند ناچار شده تقریری بدهند ولی در این مسئله هیچ تأثیری در زندگی پولی ما نداشته و نخواهد داشت (صحیح است) یعنی ما پول خودمان را ثابت حساب کرده و همان طور هم حفظ می کنیم و خیال هم نداریم تغییر بدهیم برای اینکه ثبات پول خودش يك مسئله اساسی است و دولت این عقیده را دارد و آقایان هم با این عقیده دارند (صحیح است) این عنصری بود که عرض کردم . و اضافه هم می کنم که این مبلغ ذخیره ای که ما گذاشتیم غیر از طلاهایی است که بطور جاری یا امدادی است که بانک در خارج دارد این غیر

دیگند و هفتاد و شش میلیون صد و شصت و سه هزار و شصت و دو (۱۱۷۶۱۶۳۶۰۰) ریال اسکاس در جریان داشته باشد مشروط باینکه همیشه معادل لاقال شصت درصد کل اسکاسهایی که در جریان است مسکوک و شمش طلا و نقره بطور ذخیره و اذک اسکاس نگاهدارد کلیه اسکاس های در جریان تابع مقررات قانون ۲۲ اسفند ۱۳۱۰ در ارجاع به نگاهداری اسکاس و نظارت ذخیره منزبور و غیره خواهد بود

رئیس - تقاضای بک فوریت فرموده اند آقایان و موافقت قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

۶- تصویب چهار فقره مرخصی

رئیس - چند فقره غیر مرخصی است که بعضی آقایان میروند.

غیر مرخصی آقای تربیت

آقای تربیت بواسطه کسالت مزاج - مسافرت بارو پیاری و مدله پنجاه روز از تاریخ اول مرداد ۱۳۱۵ غایب بوده اند و تقاضای اجازه نموده اند که بیون عرایض با تقاضای ایشان موافقت نموده اینک غیر آن تقدیم میشود رئیس - خاطر آقایان میسوی است که آقای تربیت وقتی بیرون رفتند برای معالجه رفتند و اجازه هم همیشه بطور برای معالجه داده شده - آقایانیکه با خبر کسب بیورث و موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

غیر مرخصی آقای نواب بزوی .

آقای نواب بزوی تقاضای بیست روز مرخصی از تاریخ پانزدهم مرداد ۱۳۱۵ نموده اند و کسب بیون عرایض موافقت نموده اینک غیر آن تقدیم میشود.

رئیس - آقایان موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

غیر مرخصی آقای دکتر طاهری .

آقای دکتر طاهری برای انجام امور شخصی تقاضای پانزده روز مرخصی از تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۱۵ نموده اند و کسب بیون عرایض با تقاضای ایشان موافقت نموده اینک غیر آن تقدیم میشود.

رئیس - آقایان موافقت قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

تصویب شد.

غیر مرخصی آقای ممدول .

آقای ممدول تقاضای بیست روز مرخصی از تاریخ ۱۹ مهر ماه ۱۳۱۵ نموده اند و مورد موافقت کسب بیون واقع شده اینک غیر آن تقدیم میشود.

رئیس - آقایان موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

۷- موعود دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - اگر تصویب فرماید جلسه را ختم کنیم جلسه آینده روز یکشنبه هفدهم آبان ساعت قبل از ظهر دستور لوائح موجوده

(مجلس بیست دقیقه بطول ماند ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

متمم قانون مالیات بر درآمد و حق تبر

- ماده اول -** کلیه بانکها و مؤسسات و شرکتهای و اشخاصی که واسطه پرداخت درآمد های مذکور در بند (د) ماده ۱۲ قانون مالیات بر درآمد و حق تبر بموجب ۲۹ آبان ۱۳۱۲ هستند مکلفند حتی در مواردی که صاحبان آنها مدعی هستند چهار درصد آرایا بابت مالیات بر درآمد کسر و منتهی در طرف یکماه به صندوق مالیّه بپردازند.
- ماده دوم -** بانکها و مؤسسات و شرکتهای و اشخاص مذکور در ماده قبل موظفند بلافاصله پس از تصویب این قانون بکسابتیکه از اول ۱۳۰۹ تا تاریخ تصویب این قانون در آمد های مذکور در ماده قبل را پرداخته اند اخطار کنند مالیات متعلقه را انزفرا چهار درصد در طرف سه ماه توسط آنها بوزارت مالیّه بپردازند.
- حرکات در مدت مقرر مشمولین مذکور مالیات خود را بپردازند بانک ها و مؤسسات و شرکتهای کلیه اطلاعات لازمه را برای وصول مالیات به وزارت مالیّه خواهند داد.
- ماده سوم -** متخلفین از مقررات این قانون مشمول مواد ۲۳ - ۲۴ قانون ۲۹ آبان ۱۳۱۲ خواهند بود.
- تبصره -** متخلفین از ماده ۲ این قانون در صورتی مشمول جریمه های قانونی خواهند شد که در طرف سه ماه مذکور در ماده مزبور ترتیب تصفیه مالیات خود را ندهند.
- ماده چهارم -** این قانون پس از تصویب بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.
- این قانون که مشتمل بر چهار ماده است در جلسه دوازدهم آبان ماه یکمزار و سید و پانزده تصویب مجلس شورای ملی رسید.
- رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری